

This question paper contains 8+1 printed pages]

Your Roll No.....

534

B.A. (Programme) /II

B

(I)

PERSIAN DISCIPLINE—Paper II

(Prose, Poetry and Translation etc.)

(Admission of 2004 and onwards)

Time : 3 Hours

Maximum Marks : 75

(Write your Roll No. on the top immediately on receipt of this question paper.)

Note :— Unless otherwise required in a question, answers may be written *either* in English *or* in Persian *or* in Hindi *or* in Urdu; but the same medium should be used throughout the paper.

1. Translate any *two* of the following into English or Urdu or Hindi : 25

(A)

تالہ های پنہان دلی را کہ نمی توان دلیل رد آحسان آورد۔

آمدند و یک بیک اسباب اتفاق را بردند تا نوبت بان صندلی

P.T.O.

رسید که از همه کعبه تر و خراب تر بود۔ گوئی خوش ترین غزل را که از دیوانی بردارند یا از دفتر خاطراتی، شیرین ترین قصه ربکشند صندلی را بدو دست نگاه داشتیم و در دل فریاد کردم که ای امان، ابن صندلی، شاه غزل دیوان عشق و دلکش ترین خاطره زندگی من است: این یکی را برای من بگذارید و باقی را ببرید، من باز هادر پای این صندلی۔ سر بد امان او گذشته ام و ساعتها در جمال او محو و فنا بوده ام، من اورای پرستیدم چرا که بهشت عشق را او اول بردی من باز کرد۔ او بمن عاشق بود چون می دید که اولین درس عشق بازی را از اومی گیرم۔ دیگر هر چه در زندگی عشق و احوال است۔ خاطراتی که در این صندلی نهفته، محور افکار و حایه حیات دل من است۔

(B)

در اواسط قرن هفتم هجری، سینہ دهم میلدری رشید و کمال این زبان شیرین بیان در هندوستان شمالی و غربی به قدری بود و

ستاره اوتا آن درجه اوج گرفت که شاعری استاد و سخنگوی فحل
چون امیر خسرو در آن دیار به ظهور رسید۔

در زمان او یعنی از زمانیکه سلطان غیاث الدین بلبن تا
علاء الدین خلجی و دیگر سلاطین آن دو دمان بر تخت سلطنت دہلی
نشسته بودند آن شهر بزرگ مرکز علم و ادب و منزل گاہ گروهی
انبوه از شایخ و متصوف و فقہا بود۔ صاحب تاریخ بدایونی فہرستی
طولانی از علما و فضلا و قضاہ قراء و حفاظ و شعراء راز کرمی کند کہ
ہمہ با از ایران بہ ہند مہاجرت کردہ و یا خود در ہندوستان در
کانونسای تمدن فارسی تولد یافتہ بودند حتی بر طبق اشعار و گفتہ
خودشان شیخ عطار نیشاپوری و شیخ سعدی شیرازی تا سر حد
ہندوستان مسافرت کردہ اند۔

(C)

سکوتی مرموز در صحرا حکمفرما بود و خورشید در سینه نیلگون آسمان
می درخشید - رستم به آسان چشم دوخته بود، نور ملایم خورشید
چشمهای خسته اش را نوازش می داد - در همین حال، پلکهایش
را روی هم گذاشت و به خوابی عمیق فرو رفت - چون
خواب تهتمن سنگین شد، تنی چند از سواران، توران از دور بیدار
شدند، که آنها نزدیک تر آمدند و ابی را دیدند کوه پیکر و
کشیده اندام که بند گسته در دشت رها شده بود - باز
نزدیکتر آمدند، سوارش را خفته یافتند، کند از زین گشودند و
در پی گرفتن اسب برآمدند، رخس شیهه ای کشید و بر روی دو پای
خود بلند شد - یالهای سفید و بلندش آشفته شده بود - گرد و غباری
که زیر سم به هوا خاسته بود - اطراف سربازان را تیره و تار
کرد -

2. Explain any two of the following :

20

(A)

جان از آرام رفت آرام جان من کجا

هجرم نشان فتنه شد، فتنه نشان من کجا

آمد بهار مشکدم سنبل دمید و لاله هم

سبزه بصر از قدم سرور وان من کجا

در کار غم شد سوریم بی پرده شد مستوریم

تلخست عیش از دوریم شکر فشان من کجا

شخصم ضعیف و دیده ترازین رسیمان وزان گهر

اینک مهیا شد کمر لاغر میان من کجا

(B)

رسید با و صبا تازه کرد جان مرا

نصفه داد بمن بوی دلستان مرا

تخت زگس فریاد کم کن ای بلبل

کنون که خواب ر بودست ناتوان مرا

صبا سواد چمن را چون سخه کرد بر آب

بگل نمود که بنگر خط روان مرا

مرا گذر بگلستان بسی ست لیک چه سود

که سوی من گذری نیست گلستان مرا

(C)

آتش عشقت کانه رئی فقاد

جوشش عشقت کاند رمی فقاد

نی حریف هر که از یاری برید

برده هایش پرده های مادرید

هچونی زهری و تریاتی که دید

هچونی ده ساز و مشتاقی که دید

نی حدیث راه پر خون می کند

قصهای عشق مجنون می کند

3. Rewrite the following in your own Persian : 10

روز ما گرفت گورو باک نیست

تو بمان ای آنک چون تو پاک نیست

هر که جز ماهی ز آیش سیه شد

هر که بی روزیت روزش دیر شد

در نباد حال پنخته هیچ خام

پس سخن کوتاه باید و اسلام

بند بکسل باش آزاد ای پسر

چند باشی بندسیم و بند زر

4. Write a short note on any one of the following : 10

(a) داستان سیاوش

(b) درختکاری

(c) امیر خسرو

5. Translate the following into Persian : 10

They have come by car. I always keep my books on the table. Tell us regarding Persian literature. A cat was under the table. Keep the books into your bag. He has been living there for four years. They reached here after me. There are thirty students in the class. Give me three books. There are hundred trees in this garden.

Or

وہ کار سے آئے ہیں۔ میں ہمیشہ اپنی کتابیں میز پر رکھتا ہوں۔

ہمیں فارسی ادب کے بارے میں بتاؤ۔ میز کے نیچے ایک بلی

ہے۔ کتابوں کو بستہ میں رکھ لو۔ وہ وہاں چار سال سے رہ رہا

ہے۔ وہ یہاں میرے بعد پہنچے۔ کلاس میں تیس طالب علم ہیں۔

مجھے تین کتابیں دو۔ اس باغ میں سو بیڑ ہیں۔

Or

वह कार से आये हैं। मैं सदैव अपनी किताबें मेज़ पर रखता हूँ। हमें फारसी साहित्य के बारे में बताओ। मेज़ के नीचे एक बिल्ली है। किताबों को बस्ते में रख लो। वह वहाँ चार साल से रह रहा है। वह यहाँ मेरे बाद पहुँचा। कक्षा में तीस छात्र हैं। मुझे तीन किताबें दो। इस बाग में सौ पेड़ हैं।